

عقب‌گرد

عقب‌گرد:

سال‌های بچگی بازی در کوچه ممنوع بود؛ به هزار و یک دلیل که مهم‌ترین آن‌ها (و شاید تمام آن هزار و یک دلیل) خلاصه می‌شد در خطراتی که در خارج از خانه وجود داشت و در کنار آن شنیدن و دیدن حرف‌ها و اعمالی که زشت و و زنده بود و در جامعه و فرهنگ خانواده‌های ایرانی جایی نداشت، البته بی‌جا هم نبود، مطمئناً در بعضی خانواده‌ها جایی داشت که در کوچه هم شنیده می‌شد اما کم بود، آن قدر کم بود که هر کس بد زبان بود و کلمات زشت و ناسزا بر زبان داشت، انگشت‌نما می‌شد.

آن روزهای کودکی پدر و مادرها آن قدر حواس‌شان را جمع می‌کردند و کودکان‌شان را در خانه مشغول می‌کردند به انواع بازی‌های فکری و بی‌ضرری که وجود داشت تا مبادا آن چیزی پیش بیاید که نباید. به خاطر همان تربیت‌هاست که امروز هم بسیاری از همان جوانان هنوز هم خجالت می‌کشند بسیاری از واژگان را بر زبان بی‌آورند... چه بر زبان جسم و چه بر زبان قلم و اندیشه...

امروز:

گرچه علم و تکنولوژی این روزها به قدری پیشرفت کرده‌اند که کودکان و نوجوانان نه تنها نیاز که حتی رغبتی به کوچه و توپ بازی و عروسک و دست زدن به گل و... ندارند!

آنقدر همه چیز پیشرفت کرده که می‌توان با فشار دادن چند دکمه، تمام روز یک نفر را پر کرد. از مسائل علمی و پژوهشی تا هنر و سرگرمی و... مشغله‌های شبانه روزی والدین، زندگی صنعتی، راحت‌طلبی و...

موجب شده تا همه چیز متمرکز شود در یک خانه نهایت ۱۰۰ متری آپارتمانی.

در نگاه اول شاید به نظر برسد این تمرکز خانواده‌ها به خانه و کم شدن

روابط باید موجب شود تا افراد از ادب بیشتری برخوردار شوند، اما در عمل این چنین نیست. زیرا گسترش وسایل ارتباط جمعی و پدید آمدن سبک‌های نو در فیلم‌سازی و موسیقی و حتی مقالات و کتب منتشر شده راه را برای نوع جدیدی از تربیت باز کرده است که عاقبت آن را فقط خدا می‌داند!

سینما:

هنر هفتم با قدرت تأثیرگذاری بی‌نظیر و کشش‌های فراوانی که در خود دارد، روز به روز مخاطبان بیشتری پیدا می‌کند و این موضوع مسئولیت و فعالان این حوزه را بیشتر و بیشتر می‌کند. سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا به واقع آنچنان که گیشه سینما رو به افزایش است، محتوا و آموزه‌ها هم این گونه‌اند؟ رعایت بسیاری نکات چه در حرکات و چه در گفتار بازیگران می‌تواند الگوی مناسب و دوست‌داشتنی‌ای را به جامعه معرفی کند. اما آیا واقعاً فیلم‌ها با چنین اهدافی پیش برده می‌شوند؟ آیا می‌توان از هر حرکت و گفتاری جهت جذابیت ظاهری بیشتر کار استفاده کرد؟ خیلی وقت‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که کودکان

امروز لازم نیست وارد کوچه و خیابان شوند تا بسیاری از کلمات رکیک و بی‌احترامی‌ها و حرکات زننده را یاد بگیرند!

موسیقی:

رواج یافتن سبک‌های مختلف موسیقی با کلام، راه را باز کرده است تا انواع و اقسام کلمات و گفتارهای نامناسب وارد این حوزه نیز بشود.

تا چند سال پیش، شعرا و ترانه‌سرایان به حرمت تأثیر هنر بر ذهن و روان و تربیت گفتاری و رفتاری مخاطب، خود را ملزم می‌دانستند که از هر واژه و ترکیبی در اشعار خود استفاده نکنند؛ اما امروز...

بسیاری از موسیقی‌ها برای بیان مفاهیم زننده و غیر اخلاقی ساخته می‌شود.

رواج گونه‌هایی از موسیقی پاپ، رپ، راک، بلوز و... موجب شده تا آن چه را که جوانان تا چندین سال پیش در خلوت خود هم تکرار نمی‌کردند به راحتی با وسایل صوتی خود بشنوند و حتی با آن اوج بگیرند (البته ارتفاع این اوج بماند!!!)

بیان نارضایتی از جو جامعه به واسطه فحش و ناسزا، شکایت از معشوق با کلمات رکیک و انواع فحش‌های بی‌سر و ته، اعتراض به هر آن چه خوب و بد است با هدف جذابیت اثر، بیان کمبودهای عاطفی و در نهایت جا دادن روابط جنسی در میان عاشقانه‌ها و از بین بردن عفت و حیا، مسائلی است که این روزها گلوئی موسیقی ایران را می‌فشارد...

حال آن که گمشده جوان امروز ایرانی هنری متعالی است که به او آسمان را نشان ده نه چاه‌های بی‌انتهای زمین را... گویا هنر آن هم از نوع مدرن و دور از ذات واقعی خود دستمایه و آموزشگر خوبی شده است تا هر چه حیا، عفت و احترام بخصوص در گفتار وجود دارد را از میان بردارد...

